

آفات مدیریت (اوصاف ناپسند مدیر)

تهیه شده در: دفتر بررسی ارزشهای حاکم بر نظام اداری

پیشگفتار: به دنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و تغییر و تحولاتی که در کلیه شئون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... به وقوع پیوست، امر تحول نظام اداری و ایجاد نظامی متناسب با ارزشهای والای مکتب اسلام به گونه‌ای که موجبات تحقق اهداف و نیازهای واقعی جامعه اسلامی را فراهم آورد به عنوان ضرورتی غیرقابل اجتناب مطرح شد و نیاز به بررسی و تحقیق پیرامون نظام اداری از دیدگاه مبانی ارزشی اسلام عمیقاً احساس گردید. در این راستا مطالعات وسیع و گسترده‌ای به صورت پژوهشی در شئون مختلف نظام اداری انجام گرفت.

آنچه در پی می‌آید نقل و تلخیص پژوهشهایی است که در زمینه آفات مدیریت (شرایط و اوصاف ناپسند مدیر) از دیدگاه مبانی ارزشی اسلام انجام گرفته است که پس از انتشار شماره‌های قبلی تحت عنوان «شرایط و اوصاف مدیر در نظام مدیریت اسلامی»، این مقاله تحت عنوان «آفات مدیریت» تقدیم خوانندگان گرامی می‌گردد. امید است مورد توجه و استفاده مدیران و کارگزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و با ارشادات خود ما را در راهی که در پیش داریم یاری نمایند.

آفات ایمانی، اعتقادی

می‌گردد باید دارای ویژگیهای خاصی که برگرفته از اصول ارزشی و مطابق با فطرت و در راستای خلیفه الهی است، باشد و همینطور عدم رعایت این ویژگیها و وجود یک سری اوصاف ناپسند در اعمال مدیریتها از طرف مدیر یا مدیران موجب آفت در مدیریت و اختلال در امور سازمانی می‌شود که هم به نوعی از اصول ارزشی فاصله گرفته و هم از از جانشینی خدا بر روی زمین دور می‌گردد. در اینجا سعی خواهیم نمود با تبیین و تشریح آفات مدیریت یا شرایط ناپسند مدیر، اثراتی که این نوع مدیریت در سازمان برجای می‌گذارد را یادآوری نموده و حتی الامکان در جهت اثر دهی و کارآیی، از چنین شرایطی به دور باشند و موجبات آفات در دستگاههای اداری و اجرایی خویش نگردند. این شرایط ناپسند را که موجب ضرر و زیان به نظام

مدیریت توانی است که در تمامی انسانها وجود دارد، لیکن شدت و ضعف و وسعت و گستردگی پرتو آن به تناسب استعدادهای گوناگون انسانها در افعال و رفتار آنان بروز می‌کند. با این برداشت همه انسانها مدیرند، با این تفاوت که یکی مدیر بر خویشتن خویش است و یکی مدیر بر خانواده دو نفری و یا چند نفری خود و دیگری بر مؤسسه‌ای تولیدی و یا مدرسه و دانشگاهی بزرگ، یکی اداره و مدیریت روستا و بخشی را بر عهده دارد، دیگری شهر و استان و به همین ترتیب کشوری وسعت این توانایی و استعداد تا آنجاست که انسان به آسانی می‌تواند جهانی را اداره نماید و خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین گردد. اما همانگونه که در مقالات قبل گفته شد هر کار و هر مدیریتی شرایط خود را می‌طلبد و هرکس که به مدیریتی منصوب

مدیریتی شده و از آن به عنوان آفات یاد می‌گردد می‌توان در چهار بخش عنوان نمود:

- ۱- ضعف ایمانی و اعتقادی
- ۲- ضعف علمی و تخصصی
- ۳- ضعف توان و تدبیر اجرایی
- ۴- ضعف اخلاقی

بدیهی است که توصیف تفصیلی آفات در ابعاد گوناگون اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نیازمند فرصتی بیشتر و کاری حجیم‌تر و همچنین نوشته‌ای فراتر را می‌طلبد، در این مقاله مختصر سعی گردیده تا ضمن برشمردن امهات آفات مدیریت به ذکر بعضی از تبعات ناشی از آن در سازمان نیز پرداخته به گونه‌ای مطالب را تحلیل نمود که برای مدیران و کارگزاران محترم دارای جهت و روند اداری و اجرایی ملموس باشد.

ضعف ایمانی و اعتقادی

در بیان ضعف ایمانی و اعتقادی موضوع را با طرح دو مسئله مهم یعنی «سستی ایمان» و «عدم تبعیت از ولایت» بازگو نموده و چگونگی اثرات و ثمرات آن را بیان می‌نماییم.

الف - سستی ایمان

در زمینه آسیب شناسی مدیریت قبل از هر چیز لازم است تا به مهمترین رکن و ویژگیهای مدیر توجیه شده و موارد آسیب‌پذیری آن مورد بررسی قرار گرفته و عوارض ناشی از آن در دایره کار مدیر و محدوده مسیولیت وی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. اولین ویژگی مدیر و یا موجبات برتری هر

انسان نسبت به انسان دیگر ایمان و تقوای اوست، هر گونه کاستی و ضعف ایمان نیز موجب آسیب‌پذیری انسان و یا مدیر شده و موجب آفت در مدیریت می‌گردد، می‌توان گفت ریشه تمامی آفات دیگر مدیریت در ضعف ایمان نهفته است.

آنچه درباره ایمان مورد نظر و توجه ما می‌باشد، ایمان مذهبی است به این معنی که انسان باور کند که «خداوند تبارک و تعالی خالق این جهان است» **«وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»** (۱)

«و انسان و سرنوشت وی از سوی اوست و سپس به سوی او باز می‌گردد»

«اللَّهُ يَبْدُوَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (۲)

و باور کند که پس از پایان این جهان روز قیامتی وجود دارد و در آنجا تمامی اعمال انسان مورد سنجش قرار می‌گیرد و باور کند که تمامی پیامبران از سوی خداوند تبارک و تعالی برای هدایت بشر فرستاده شده‌اند و قرآن کتابی آسمانی است که در آن خداوند به عنوان خالق بشر و تمامی کائنات دستورات زندگی سعادت بخش انسانها را معین کرده است تا چراغ راه انسانیت باشد و آنان را از ظلمت به سوی نور هدایت فرماید و باور کند که حضرت محمد (ص) خاتم پیامبران، عالیتین و بهترین اسوه و نمونه خلقت است و انسانها باید برای هدایت خود به این الگوی نمونه چشم دوخته و تمامی سیره و کردار و اعمال و گفتار او را مورد توجه قرار داده و به او اقتدا کنند و در زمان پس از او نیز به دو رکن عظیم و سنگین قرآن و عترت تمسک جویند تا رستگار گردند.

لذا با توجه به این عبارات، میزان ضعف ایمان متناسب است با میزان فرصتهایی که در آن انسان به غفلت و فراموشی بسر برده و از یاد خدا بی‌خبر مانده است. حال که منظور از ایمان و ضعف ایمان مشخص گردید ضروری است تا به بازتاب و اثرات

جامعه تبیین گردیده است که به صورت یک باور و یک نوع بینش و عقیده در آمده است، البته ممکن است که تمامی این آگاهیها مبنای عقلی و مذهبی کاملی نداشته باشند ولی به هر حال عملی است که موجب باور انسانها گردیده است و آن باور و ایمان انگیزه عمل انسانها را شکل می دهد و شتاب و حرکت و تلاش انسان بستگی به میزان سازگاری باور و اعتقاد او با سرشت انسان و بُعد انسانیت او دارد.

انگیزه های فرد بی ایمان را می توان روحیه تکاثر طلبی، تفوق طلبی، علو طلبی و یا سایر انگیزه های شهوی و نفسانی دانست، مثلاً علمی که عمل به آن اشباع کننده بُعد تکاثر طلبی انسان باشد به یک اندازه به حرکت انسان شتاب می دهد، علمی که عمل به آن موجب بقای حیات مادی انسان باشد به حدی دیگر، و علمی که عمل به آن باعث تأمین بُعد شهوت طلبی انسان باشد شتاب و قدرت و انگیزشی دیگر دارد و مجموع تمامی این علوم و باورها یک مقدار محدودی توان و انرژی انگیزشی برای انسان ایجاد می کنند.

بنابراین می توان چنین گفت که انگیزه در عمل انسان بی ایمان عبارت است از: برآیند مجموع آهیها و اطلاعات به دست آمده توسط انسان که برای وی به صورت باور و اعتقاد در آمده و به نحوی با خوی خویشتن خواهی، تکاثر طلبی، علو طلبی و سایر خواهشهای نفسانی وی سنخیت دارد.

انگیزه عمل انسان با ایمان

حضرت علی (ع) ایمان را چنین توصیف

ایمان و ضعف آن در دایره عملکرد مدیر نیز اشاره گردد تا بحث ما عاری از نقش کاربردی معنویات در حیطه مسئولیت مدیر نباشد.

مسلم است که مدیریت جلوه عملی استعدادها و تواناییهای بالقوه یک فرد است که برای بروز و استخراج استعدادها و نیروهای بالقوه تحت امر وی در جهت اهداف خاص مدیر بکار می رود. بخشی از توانایی مدیر ذاتی و بخشی دیگر اکتسابی است مثلاً علم مدیر می تواند اکتسابی باشد و با مطالعه مستمر و پیگیر به دست آید، لکن توان تدبیر امور و یا عقل و جمع آوری انسانها و بکارگماری آنان در جهتی مطلوب، امری ذاتی است، این نظریه ای است که بعضی از صاحب نظران علم مدیریت ابراز داشته اند و ما فعلاً در مقام تبیین این نظریه نیستیم بلکه به مجموعه استعداد وی توجه داریم و به انسان به عنوان یک عنصر واحدی که مجموعه صفات و تواناییها و قابلیت های انسانهای دیگر را می توانند دارا باشند نظر می افکنیم و علاوه بر این، بود و نبود ایمان و ضعف و قوت آن نیز به عنوان بخش عظیمی از تواناییهای مدیر به حساب می آید که باید ارزیابی و تحلیل گردد. با توجه به این عبارت لازم است تا در اینجا به انگیزه های عمل انسان بی ایمان و با ایمان و توانایی یک انسان مؤمن و نقصانی که در اثر ضعف ایمان پدید می آید اشاره نموده و اثرات ضعف ایمان بر مدیریت و کارایی وی را در سازمان تشریح نماییم.

انگیزه های عمل انسان بی ایمان

در هر جامعه ای یک سلسله آگاهیها و اطلاعاتی وجود دارد و این آگاهیها چنان در وجود عناصر آن

می فرماید: «الْإِيمَانُ عَمَلٌ بِالْقَلْبِ وَ نُطْقٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ»^(۱) این وصیف نشان می دهد که چگونه عمل یک انسان می تواند برگرفته از ایمان وی باشد.

همچنین حضرت امام صادق (ع) نیز در خصوص ایمان می فرماید: «الْإِيمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ»^(۲) «ایمان تمامی عمل است»

لذا انسان مؤمن کسی است که در راه باور خویشتن ثابت است و در انجام کار سُستی ناپذیر و مداوم می باشد و برای وی هر گونه کاهلی و سُستی و رخوت و از دست دادن فرصت از قبیل آماده نبودن برای بهره گیری از فرصتها نکوهش گردیده و اگر چنانچه دو روز وی با هم مساوی باشد، مغبون شمرده شده و اگر امروزش ضعیفتر، باشد مورد لعنت خداوند تبارک و تعالی است. برای مؤمن تأمین ابزار معیشت و رفاه خویش و اهل و عیال یک تکلیف است و تلاش برای تأمین روزی حلال جهاد شمرده می شود. مردم و مؤمنین در زُمره عیال خداوند قرار دارند و خدمت به آنان وظیفه است و بر هر مؤمنی فرض است که به اندازه وسع و توان خویش در جهت انجام وظایف محوله بکوشد و این کوشش به صورت انجام وظایف معمولی و به حالت عادی نیست بلکه شکل تلاش بر اساس فرمایش قرآن که آنرا به صورت جهاد توصیف می نماید، می باشد و برای مؤمن به عهده گرفتن مسئولیت بدوش کشیدن یک امانت، سنگین است به طوری که باید با تمامی وجود در حفظ آن بکوشد.

عالیترین انگیزه های عمل برای مؤمن کسب رضای پروردگار و رسیدن به رستگاری است. در

این مرحله دیگر وعده های اجر و ثواب و ترس از مجازات و عقاب نیست که برانگیزاننده حرکت مؤمن در جهت تلاش است، عشق وصال به معشوق است و شوق و میل به اصلی که خود وی نیز جلوه ای از اوست و همیشه دل به این ندا می دارد که خداوند وعده ملاقاتش داده و فرموده است:

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ تَدْحًا فَلَمَّا قَبِيهِ»^(۳)

«ای انسان که تو تلاشگر هستی که به سوی پروردگارت تلاش می کنی پس او را ملاقات می کنی»

تأثیر ضعف ایمان مدیر بر کارآیی سازمان

با توجه به مطالب فوق می توان به طور نسبی درک کرد که هر اندازه ایمان انسان کاسته شود از جهات عملی نیز دچار تبعاتی می گردد که از ویژگیهای انسان غیر مؤمن می باشد و ممکن است در وجود شخصی جمع گردد که مدیریت سازمانی را بر عهده دارد، صرف نظر از اینکه کارکنان سازمان تماماً مؤمن و متعهد باشند و یا غیر مؤمن و براساس حدیث «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ» (مردم متدین به دین حکمرانان خویشند) و با توجه به اثرات شدیدی که بر اثر عملکرد مدیر به سازمان بر می گردد، به طور نسبی سازمان بر اثر نتیجه ضعف ایمان مدیر دچار نقصهایی خواهد شد که عبارت است از:

۱-۲۵۰ نا هماهنگی حرکت سازمان با روند حقانیت خلقت.

۲-۲۵۰ تضاد حرکت سازمان با خطوط کلی حرکت

انسان به سوی هدایت.

۳۴۵- سست شدن ارتباط متافیزیکی و معنوی کارکنان سازمان با جهان آفرینش و بی هدف پنداشتن مسیر آن و مهمل انگاشتن تلاشهای ارزش آفرین.

۴۴۵- کاسته شدن از میزان انرژی و پتانسیل موجود در پیکره سازمان و ایجاد وابستگی شدید به موازنه ارائه انرژی در قبال اجر مادی داده شده از سوی سازمان.

۵۴۵- پایین آمدن سطح کیفیت و انتقادات شایسته و بجا و اصلاحگرانه در سازمان و بالا رفتن میزان تق زدن و ابراز ناراحتیهای مقطعی.

۶۴۵- افزایش درصد اصطکاکهای روحی و کردارهای سوء اخلاقی و کند شدن گردش کار در سازمان.

۷۴۵- ایجاد بیعلاقگی نسبت به سازمان و غلبه روحیه فرار از سازمان در ساعات کار و انتظار فرارسیدن پایان ساعت کار جهت رفع تکلیف.

۸۴۵- بی توجه بودن کارکنان به شخصیت عمومی سازمان و عدم وجود روحیه دفاع از آرم و استاندارد عملی یا حقوقی سازمان و در نتیجه پایین آمدن کیفیت هویت و ارزش عمومی سازمان در جامعه.

ب - عدم پیروی از ولایت فقیه

پس از ضعف ایمان موضوع دیگری که باید در بعد ضعف اعتقادی مورد بحث و بررسی قرار گیرد موضوع ولایت است. در نظام اسلامی ولی فقیه در بالاترین رده اجتماعی قرار دارد و در زمان غیبت امام زمان (عج) تدبیر امور جهان اسلام به دست

اوست، در این نظام ویژگی تعهد به ولایت فقیه و یا عدم تعهد به ولایت، توسط مدیر یک سازمان نقش تعیین کننده‌ای در کارآیی و موفقیت و یا شکست و انزوای وی دارد و این نکته از نکات حائز اهمیت بسیار و قابل توجه در مدیریت اسلامی است که آنرا از مدیریت غیر اسلامی متمایز می‌سازد. اساساً در اسلام رهبری دارای جایگاه ویژه‌ای است به طوری که ایمان به خداوند بدون اعتقاد به رسول خدا معنی ندارد، خداوند می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ» (۱)

«ای ایمان آورندگان از خدا پروا داشته باشید و به رسول و فرستاده وی ایمان بیاورید»

این ایمان آوردن به رسول خدا برای تبعیت کردن است چرا که پیامبران جز به امر خداوند عمل نمی‌کنند و اوامر آنان همه به اذن اوست و اصولاً هر عملی را که در آن اطاعت خدا و رسول خدا نباشد باطل شمرده و فرموده است خدا را تبعیت کنید و از رسول پیروی کنید و عمل خود را باطل ننمایید. این تبعیت نه فقط تبعیت ظاهری و کرداری است بلکه باید به شکل تعهد و تسلیم قلبی باشد و این تسلیم بودن در مقام رسول خدا (ص) تنها شامل اوامر عبادی و شرعی نمی‌شود و تمامی اوامر دیگر را در بر می‌گیرد، همچنانکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِماً» (۲)

«پس نه قسم به پروردگارت ایمان نیاورده‌اند تا زمانیکه در مشاجراتی که در بینشان پیش آمده حکمیت تو را بپذیرند و در قلبهایشان هیچ حرج و

نگرانی از قضاوتی که تو کرده‌ای نیابند و تسلیم تو گردند تسلیم شدنی»

رسول گرامی (ص) با تمام پشتوانه عظیم الهی که دارد به عنوان خاتم الانبیاء و وجود مقدسی که افتخار پذیرش وحی از سوی خداوند را در روی زمین داراست و در اوج معراج ملکوتی اش نزد باری تعالی از تمامی مخلوقات برتری دارد و مقامی را می‌یابد که ملائک را توان راه یافتن بدان نیست پس از الهام الهی در روز عید غدیر خم خطاب به حجاج که پیام آوران حجة الوداع به تمامی جهان اسلام بودند فرمود: آیا من نسبت به مؤمنین از نفسهاشان برتر نیستم، مردم گفتند، بلی، سپس فرمود: هرکس که من مولا و رهبر او هستم علی مولا و رهبر اوست و بدین ترتیب تمامی اختیارات خود را به حضرت علی (ع) می‌سپارد به جز اینکه دیگر وحی بر علی (ع) نازل نمی‌گردد و با این عمل رسالت خود را به پایان می‌رساند و دین کامل می‌گردد. رسول خدا (ص) علی (ع) را به عنوان یک فرد جانشینی که فقط چند مدت کوتاه بعد از او پرچم امامت را بر دوش بگیرد معرفی نمی‌کند بلکه معرفی علی (ع) تثبیت شجره طیبه‌ای است که از نسل او که نسل پیامبر نیز هست درخت پرثمر امامت روییده و تا پایان عمر بشریت بر انسانهای حق طلب سایه رحمت می‌گستراند.

همچنین ویژگیهای ائمه علیهم السلام به عنوان اهل بیت پیغمبر (ص) در آیات قرآنی و احادیث نبوی فراوان ذکر گردیده است که در این خصوص امیرالمؤمنین (ع) به نقل از پیامبر گرامی (ص) چنین نقل فرموده‌اند:

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): اللَّهُمَّ

أَرْحَمَ خُلَفَائِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ قَالَ الَّذِينَ بَأْتُونَ مِنْ بَعْدِي يَزُوُونَ حَدِيثِي وَ سُنَّتِي فَيَعْلَمُونَهَا النَّاسُ مِنْ بَعْدِي»

«امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید رسول خدا (ص) فرمود: خدایا جانشینان مرا رحمت کن و این حرف را سه بار تکرار کرد، به او گفته شد جانشینان تو چه کسانی هستند فرمود: کسانی که بعد از من می‌آیند و حدیث و سنت مرا نقل می‌کنند و مردم پس از من را تعلیم می‌دهند» (۱)

آری این افراد که خداوند در قرآن کریم و پیامبر در فرمایشات خویش آنان را (به کنایه) امر به تفرقه در دین می‌فرماید تا هرکدام به دیاری روند و مردم را به دین آشنا سازند، اینان همان مرجع رسیدگی به مسایل شرعی مردمند که در دوران غیبت، امام زمان (عج) زعامت و رهبری مردم را بر عهده دارند و این افراد از علمایی هستند که دارای ویژگیهای برجسته‌ای از حیث تقوی، علم، تعهد، زهد، تجربه، تدبیر و شجاعت می‌باشند و حجت امام عصر (عج) بر مردم روی زمینند و امام زمان نیز حجت خدا بر آنهاست و لذا بر مردم است که در حوادث و امور خود که اهم آن حکومت است به ایشان رجوع نمایند. بنابراین ولی فقیه که سرپرستی امت اسلام را بر عهده دارد در پرتو عنایت خاص الهی در زمان غیبت نایب امام زمان (عج) بر روی زمین است و به تعبیری جانشین رسول الله است و تبعیت مردم از او نیز در امتداد تبعیت از رسول گرامی اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) می‌باشد.

اما انتخاب رهبری در اسلام به عنوان ولی فقیه به صورتی بسیار آزاد و با فرصتی طولانی و با تأمل و تدبیری عمیق و با همفکری و نظارت خبرگانی عادل صورت می‌گیرد و نحوه انتخاب آن به گونه‌ای است

جوامعی شکستن قوانین مدون مدنی و اجتماعی و زیر پا گذاشتن قوانینی که علی الظاهر دارای پشتوانه‌های اجرایی هستند بسیار ساده‌تر از زیرپا گذاشتن عُرف و سنتهای اجتماعی است و اساساً زیربنای عمده قوانین مدون از سنتهای اجتماعی الهام گرفته شده است و آن دسته از قوانینی که به سنتهای جاری اجتماعی متکی باشند پایدارترند و ارائه هر سیستم و سازمان مدیریتی برخلاف آن سنتها مستلزم تلاشهای بسیار و شکستهای پی در پی می‌باشد.

ولایت فقیه نیز در جامعه اسلامی به شکل یک ارزش تغییر ناپذیر و یک سنت مقدس است که پایه‌گذار و حامی آن خداوند بوده و در حقیقت این سنت با نهاد انسانهای مسلمان آمیخته شده و به صورت خمیرمایه سرشته شده است و مقابله مدیر مخالف با ولایت فقیه با این سنت که به صورت قانونمندی طبیعی و دارای پشتوانه عمیق عقلی و معنوی و الهی در پیکره نیروهای انسانی سازمان وجود دارد، بسان شنادرجهت مخالف جریان قوی موجی است که لاجرم یا مدیر را به سوی خود منعطف می‌گرداند و با خود به کنار ساحل می‌برد و یا او را در خود غرق می‌کند و جسد او را به گوشه‌ای پرتاب می‌کند. در چنین سازمانی و با چنین بینشی که مدیر مخالف این موج باشد میزان بازده و کارایی دستگاه به پایین‌ترین حد و مقیاس خود می‌رسد، لذا در این شرایط ممکن است کل سازمان به لحاظ وابستگی به نظام اسلامی دچار نقصان بزرگی نگردد لکن آنچه مسلم است اینکه حتماً مدیریت آن دچار شکست خواهد شد و شالوده تشکیلات اداری سازمان متزلزل خواهد گردید.

که نه تنها از هر گونه شیوه‌های تبلیغاتی و انتخاباتی مرسوم در جهان مبرا بوده بلکه با پشتوانه عظیم الهی پدید می‌آید و امت اسلام ولی فقیه را در زمره کسانی می‌داند که پس از خدا و رسول خدا واجب‌الاتباع بوده و صحت و درستی کردار خود و یا خلاف و نا درستی اعمال خود را منوط به تأیید و تکذیب ولی فقیه می‌داند، بدیهی است با چنین شرایطی از نظر نیروهای انسانی و انگیزه‌های اجتماعی و ارزشهای جاری در جامعه اگر مدیر مخالف ولایت فقیه وجود داشته باشد از نظر کاری موفق نخواهد بود و عدم تبعیت از ولایت در نفس امتناع منحصر نمی‌گردد بلکه هر گونه پیشی گرفتن از ولی و یا عقب افتادن از او را نیز شامل می‌شود به طوری که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ای مؤمنان از خدا و رسولش پیشی نگیرید و از خدا پروا داشته باشید.

حضرت امام سجاد (ع) در این زمینه در صلوات شعبانیه، جامعه اسلامی را بسان کشتی تشبیه فرموده که در گردابهای بی‌پایان جهل و شبهه و شرک توسط ولایت امامان معصوم (ع) بالاصاله و نائبان راستین آنان بالتبع هدایت می‌شود و کسانی که وارد آن شوند و خود را در پرتو هدایت آن قرار دهند در امنیت بوده ولی کسانی که آنرا ترک گویند غرق در گرداب ضلالتند.

اساساً در هر سازمانی نیروهای انسانی به عنوان رکنی از ارکان آن سازمان به حساب می‌آیند و عُرف و آداب و رسوم و فرهنگ و اخلاقیات و پایندهای معنوی نیروهای انسانی به شکل ارزشهای حاکم بر جامعه آنان در آمده و این ارزش به صورت یک سلسله قوانین غیر مدون، سرنوشت زندگی، جهت حرکت و تلاش آنان را رقم می‌زند و چه بسا در

